

جایگاه موبدان زرتشتی در عصر ساسانی

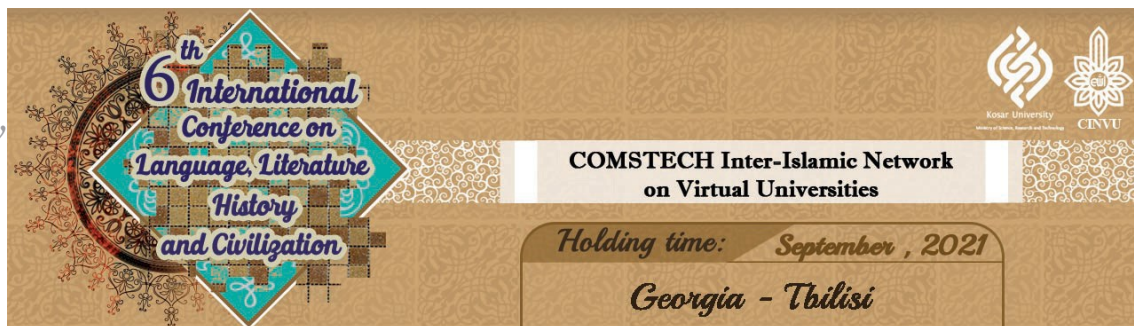
دکتر زهرا تبریزی شهروی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

چکیده

با روی کار آمدن ساسانیان و رسمی شدن آیین زرتشت، موبدان در جامعه ساسانی بالاترین جایگاه و طبقه اجتماعی را از آن خود کردند. به دلیل توجه خاص حکومت ساسانی به مسائل سیاسی و دینی، موبدان زرتشتی و پادشاهان به عنوان دو عنصر اصلی حکومت رابطه تنگاتنگی با هم داشتند، به طوری که پادشاهان مشغول کشورداری و موبدان وظیفه مشروعیت بخشیدن به سیاست های دولت از طریق تبلیغ دیانت زرتشتی را داشتند. دو موبد مهم عصر ساسانی تنسر و کرتیر بوده که تنسر نقش اجرایی خاص در سیاست دینی اوایل دوران ساسانی داشته و بیشتر مدون آثار مذهبی بود تا سیاست مدار دینی، در حالی که کرتیر برخلاف تنسر مجری متعصبانه سیاست های دینی بود و علاقه خاصی به سیاست داشت.

کلید واژگان: ساسانیان، آیین زرتشت، موبدان، کرتیر، تنسر



مقدمه

موبدان بزرگ ترین پیشوای روحانی آیین زرتشتی در دوره ساسانی به شمار می رفتند. واژه موبد در اوستا به صورت «موغو» یا «مگه» و در فارسی باستان «موگو» و در پهلوی «موگ پت» گفته می شوند بنا به نظر مستشرقین، مغان در اصل قبیله ای از قبایل ماد یا طبقه ای از قوم مذکور بودند که ریاست روحانی دین مزدیسنی به آنان تعلق داشت، آن گاه که شریعت زرتشت بر نواحی غرب و جنوب ایران یعنی ماد و پارس مستولی شد و دین باستانی را اصلاح کرد، مغان رئیس دیانت جدید شدند. در عهد اشکانیان و ساسانیان، روحانیون و نجبای ملوک الطوائف قرین و هم دوش یکدیگر بودند همیشه روحانیون از میان طبقه مغان انتخاب می شدند این طبقه هم به مرور زمان خیلی زیادتر شده بود و به استناد تاریخ افسانه آمیزی که داشتند برای خود شجره و نسب پر افتخاری ترتیب می دادند. روحانیون زرتشتی سلسله مراتبی داشتند که بسیار منظم بود. طایفه مجوس طبقه روحانیون فرودست را تشکیل می دادند. از این طبقه بالاتر مغان بوده اند. سرزمین ایران از حیث دین به مناطق مختلفی تقسیم می شد، هر ناحیه را موبدی خاص بوده، رئیس همه موبدان «موبد موبدان» بود.

موبدان موبد

اولین بار که نام چنین صاحب مقامی را می شنویم، آن جایی است که اردشیر یکم شخصی را که ظاهراً «ماهداد» نام داشته به مقام موبد موبدان منتسب کرده است. شاید این مقام پیش از اردشیر هم بوده است. لیکن اهمیت آن از وقتی بالا گرفت که دین مزدیسنی در کشور ایران صورت رسمی یافت. ریاست همه امور روحانی، با موبد موبدان بود که در جمیع مسائل به اجرای دین و اصول و فروع عملی آن فتوی می داد و ریاست روحانی را در دست داشت و موبد موبدان غیر از آن چه درباره مسائل دینی و هدایت معنوی تعلیمات لازم را معمول می داشتند عزل و نصب پادشاه را نیز در دست داشته و چنان چه پادشاهی طبق تعالیم روحانی اعظم، رفتار نمی کرد نالایق به شمار می رفت و به وسیله موبدان عزل می شد (عفی، ۱۳۷۴: ۶۲۴).

طبقات اجتماعی دوران ساسانی

در دوران ساسانیان جامعه به چهار طبقه اجتماعی تقسیم می شدند که افراد طبقه پایین این هرم قادر به بالا بردن طبقه خود نبودند و برای همیشه خود و نوادگان و پیشینیان آن ها در همان طبقه باقی می ماندند:

- ۱- روحانیون ۲- ارتیشاران ۳- دبیران ۴- توده ملت. که هر یک از طبقات خود به چند دسته تقسیم می شوند که با توجه به عنوان مقاله به بررسی روحانیون دین زرتشتی یا همان موبدان خواهیم پرداخت. در نظام اجتماعی ایران دوره ساسانی موبدان از پایگاه و نقش اجتماعی مخصوص به طبقه خود برخوردار بودند. طبقه موبدان عصر ساسانی بر اساس منزلت اجتماعی به سه طبقه بزرگ تقسیم می شدند: ۱- مغان: که در امور مذهبی و حکومتی انجام وظیفه می کردند، وجود تعداد زیادی از مهرهایی که این لقب در آن ها به کار رفته است اهمیت این مقام



دیوان سالاری حکومت و در عین حال اقتصاد معابد و وسعت تشکیلات مذهبی ایران دوره ساسانی را نشان می دهد (دینوری، ۱۳۴۶: ۹۲). این قشر پایین ترین گروه از روحانیون بودند، مهم ترین وظیفه مغان اجرای مراسم مذهبی در آتشکده ها، پیش گوئی، ... بود (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۳۹۵). ۲- هیربدان که به معنی نگهبانان آتش از آنان یاد شده، روسای آتشکده ها بودند، با توجه به احترام ایرانیان باستان به آتش و سه عنصر دیگر، مقام هیریدی تاریخچه ای قدیمی تر از منصب موبدی داشت، هیربدان به سبب تصدی مشاغل علمی، آموزشی، فرهنگی، تجاری و اجتماعی از پایگاه والایی برخوردار بودند. ۳- موبدان: این عنوان از زمان هرمنز اول که کرتیر "موبد اورمزد" نامیده شده متداول شد، موبدان در رأس طبقه روحانیون قرار داشتند و نفوذ بسیاری در امور زندگی اجتماعی داشتند، آنان با کسب مقام ارشدی نام موبدان موبد و کسب مقامات مهم مذهبی و قضائی و... بالاترین قشر روحانی و بلکه جامعه ایرانی دوره ساسانی را در دست داشتند (دریایی، ۱۳۸۱: ۴۶). موبدان وظایف و اختیارات بسیاری در تمامی مسائل مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، قضائی و غیره داشتند که عبارت بودند از:

- رهبری دینی و نظارت بر اجرای عوامل مذهبی، نظارت بر اداره تمام آتشکده ها تهذیب اخلاق و هدایت معنوی.

- ریاست دادگستری که به آن ها دادوران دادور هم می گفتند.

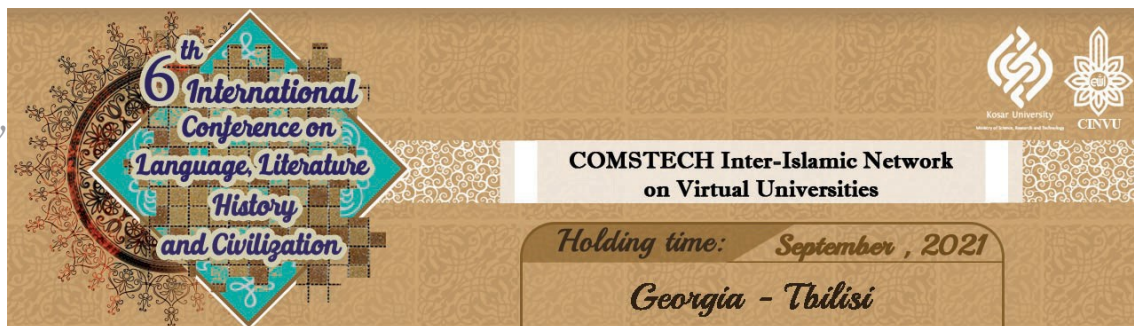
- رئیس طبقه پزشکان که احتمالاً عنوان زرتشتروم داشتند.

- مشاور مذهبی دربار، که وجه تسمیه مغان اندرزبید به همین دلیل است.

در زمان ساسانیان بین دین و دولت وابستگی وجود داشت، اردشیر بابکان موسس سلسله ساسانی و اجدادش از کاهنان معبد آناهیتا در استخر فارس بودند و به آداب و سنت های دینی معتقد بودند، اردشیر بعد از شکست دادن اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانیان به دلیل این که توانست اتحاد بین دین و دولت را برقرار کند توانست مدت زیادی بر ایران حکومت کند.

نقش موبدان زرتشتی بر ساختار جامعه ساسانی

مقام سلطنت در ایران از ابتدا دارای مفاهیم مذهبی و برگرفته از اعتقادات دینی بود که بر اساس آن شاهنشاه دارای فر ایزدی بوده، شاه ضمن این که دارای مقام شهریاری بود در عین حال از مقام و وجه مذهبی برخوردار بود، هر دو مقام شهریاری و موبدی را با هم داشت با به قدرت رسیدن ساسانیان که در ابتدا عمدتاً هر دو مقام را دارا بودند باعث نفوذ و همکاری بیشتر روحانیون زرتشتی در دولت گردید که با توجه به ماهیت دولت ساسانی از مقام و منزلتی برخوردار شدند که تا آن زمان سابقه نداشت چنان که بعد از خاندان شاهی، طبقه اول را تشکیل می دادند و مقام موبدان به عنوان رئیس و رهبر دین زرتشتی بعد از شاه مقام اول را داشت (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۳۸۴).



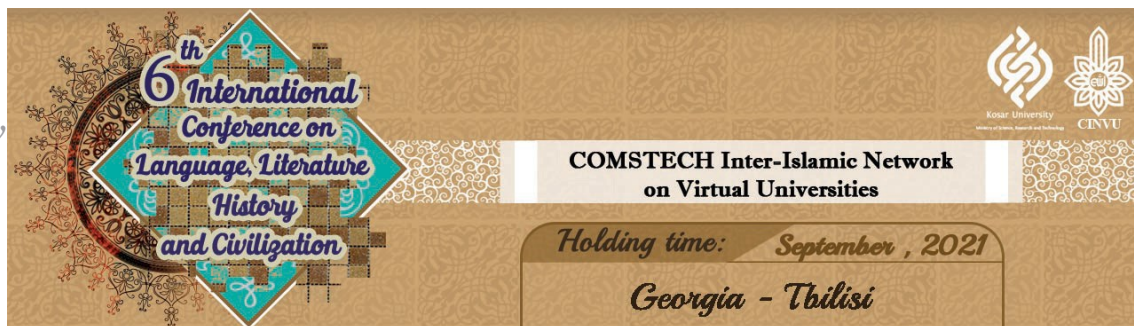
در میان موبدان زرتشتی زمان ساسانیان، دو روحانی نقش به سزایی در شکوفائی قدرت ساسانیان، تبدیل کردن دین زرتشت به یک دین واحد و بلامنازع حکومتی و از بین بردن پیروان سایر ادیان و نهضت های دینی (مزدک و مانی) داشتند که عبارت بودند از:

تنسر و کرتیر: تنسر موبدی که در زمان اشکانیان به گوشه نشینی در آتشکده ها پرداخت و ظاهراً به عبادت مشغول بود ولی با ظهور اردشیر بابکان به میدان سیاست آمد و از مشوقان اردشیر برای جنگ با اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی بود (شعبانی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

پس از روی کار آمدن و تشکیل دولت ساسانیان تنسر در رأس مقامات اجرایی کشور قرار گرفت و با همراهی اردشیر بابکان سعی در برقراری وحدت دینی و نظام تک خدائی گرفت و در نهایت تنسر به یکی از قدرت های «سیاسی - دینی» بلامنازع و رجال با نفوذ میدان سیاست حکومت ساسانی تبدیل شد، به طوری که اردشیر جز فرمانبرداری از او چاره دیگری نداشت که این امر نه تنها به علت خاستگاه دینی و روحانی اردشیر بود بلکه اردشیر به قدرت رسیدن خود را مدیون تنسر می دانست.

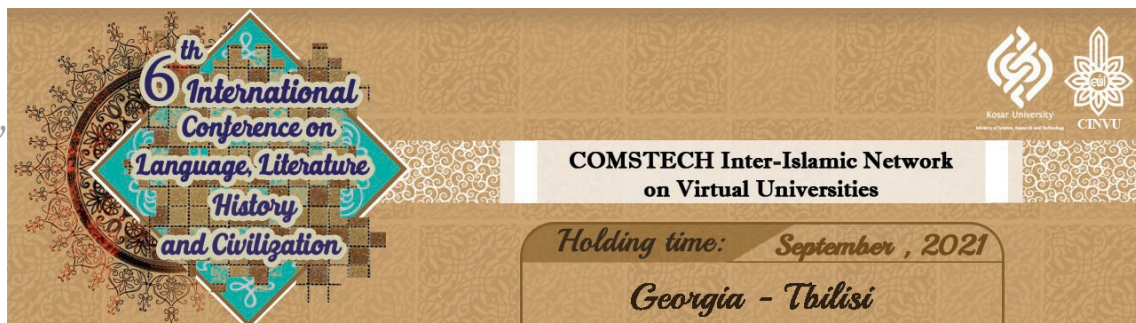
کرتیر نیز روحانی بسیار زیرک و کاردانی بود که در دوران چندین تن از پادشاهان ساسانی موفق شد خود را به عنوان "نماینده سازمان روحانی در حکومت" مطرح سازد و در به قدرت رسانیدن پادشاهان ساسانی و تعیین جانشین برای شاه بعدی نقش مؤثری را ایفا کند. کرتیر که روز به روز قوی تر می شد در محکم کردن پایه های آیین زرتشت در کشور و سرکوب کردن سایر ادیان از هیچ کوششی دریغ نمی کرد. اقدامات سرکوب گرایانه او در این راستا سبب شد استبداد مذهبی در کشور ایجاد شود که خصوصیات خاص خود را داشت. ایجاد این استبداد مذهبی در عصر ساسانیان موجب قدرتمند شدن بیشتر روحانیون و مقامات مذهبی زرتشت شد. زمانی که پس از مرگ یک پادشاه میان بازماندگان او بر سر جانشینی اختلاف نظر پیش می آمد موبدان به علت نفوذشان نظر قطعی را می دادند و شخص مورد نظرشان را انتخاب می کردند. نفوذ روحانیون در تمامی زوایای زندگی مردم تا حدی بود که در مراسم و جشن های رسمی اولین فرد به جز اعضا خانواده پادشاه که نزد پادشاه می رفت، موبدان بودند. وابستگی دین و دولت در این دوره و تأثیرگذاری روحانیون در تمامی زوایای زندگی مردم تا حدی بود که حتی موبدان در سفر، جنگ و شکار نیز همراه شاهان بودند و در همه ادوار پادشاهی ساسانی، موبدان سعی می کردند که سرنوشت حکومت و دولت را به دست بگیرند (زرین کوب، ۱۳۶۸: ۱۶۷).

پادشاهانی که در برابر موبدان مقاومت کرده و می خواستند خودشان همه جنبه های قدرت اعم از قدرت دینی، نظامی و سیاسی را به طور کامل به دست بگیرند مانند یزدگرد اول و یا چون قباد، بزهدار و بی دین به شمار می آمدند. به همین علت شاهان ساسانی در سراسر حکمرانی این سلسله به موبدان و آتشکده ها احترام گذاشته و برای آتشکده ها خیرات می کردند و سعی در همراه کردن موبدان با خود داشتند و هر بار که یک نهضت و یا بدعت دینی در جامعه ایجاد می شد، به تحریک موبدان به شدت به وسیله شاهان ساسانی سرکوب و پیروان ادیان دیگر به شدت مورد آزار و شکنجه و تعقیب قرار می گرفتند.



حاکمیت موبدان زرتشتی در عصر ساسانی

موبدان زرتشتی در عصر ساسانی نقش به سزایی داشتند، از جمله این که عزل و نصب پادشاه به دست موبدان انجام می شد. احتمال این که پادشاه به دلایل مختلف متهم به بی لیاقتی شود بسیار بود، هر زمان پادشاهی مطابق تعالیم موبدان رفتار نمی کرد، نالایق به حساب می آمد و موبدان می توانستند آن پادشاه را عزل کرده و شخص مناسب تری را جایگزین کنند. مسئله دیگر رأی و حکم موبدان در زمان ساسانیان بود که مولف کتاب ماتیکان بیان کرده که در مسائل حقوقی برای موبد اعظم بر دیگران ارجحیت داشته اما این محبوبیت موبدان تا آخر ادامه نداشت و متأسفانه حکومت ساسانی به مانند سایر حکومت ها به تدریج آثاری از زوال در این حکومت نه از بیرون بلکه از درون و درست در میان بنیادهای اصلی تشکیل دهنده حکومت (دین و دولت) بروز کرد، قدرت و اعتباری که موبدان را در کارهای ملک و مردم نفوذ بسیاری بخشیده و سرنوشت دین و ملت را به صورت تام در اختیار آن ها قرار داده باعث شد که فساد هم به درون دستگاه موبدان ساسانی نفوذ کند. تقی زاده از جمله عواملی را که در ضعف ساسانیان ذکر کرده یکی را همین استبداد مذهبی و فساد موبدان دانسته است که در آن آزادی افکار وجود نداشت و پیروان عقاید مذهبی غیر از مذهب زرتشتی از طرف موبدان و با همکاری دولت به سختی تعقیب می شدند (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۲۰). به طوری که خسرو انوشیروان در خطبه تاج گذاری خود خطاب به موبدان از مجازات سنگین و اخراج کسانی که در دینشان مخالف دین زرتشت و موبدان زرتشتی شده اند سخن گفته است، اما دلیل اصلی فساد و انحراف زرتشتیان، همکاری آن ها با اشراف و بزرگان و یک صدا شدن با آن ها در هنگام ضعف و انحطاط دولت و مخالفت با پادشاه بود که آن ها را از ارزش های دینی به رقابت های سیاسی می کشاند، بود. پس از مرگ شاهپور دوم تا زمان یزدگرد اول پادشاهان که فاقد قدرت بودند، نجیبی عالی مقام با همکاری موبدان بنا به صلاح دید خود هر کس را که شایستگی شاهی تشخیص می دادند به تخت می نشانند، همین طور هر کس را که موافق با عقاید خودشان نبود خلع کرده و در زمامداری شاپور دوم، اردشیر دوم، و شاپور سوم دخالت های زیادی داشتند (پارشاطر، ۱۳۷۳: ۲۴۱). موقعیتی که موبدان در زمان ساسانیان به دست آورده بودند قابل تأمل است، موبدان با اعتبار مذهبی، اجتماعی ای که از دیرباز در جامعه ایرانی از آن بهره مند بودند در دوره ساسانیان که دین زرتشتی دین رسمی شده از حمایت بی دریغ سلسله اشکانیان برخوردار شدند به نحوی که تسلط و نفوذ خود در تمام شئون کشوری اعم از اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی بیفزاید. منحصر شدن امور قضائی و آموزشی و ملک دار و ثروتمند بودن آن ها که از راه پرداخت دیه ها، نذورات، هدایا و وقفات به دست آمده بود از جمله دلایل قدرت و نفوذ موبدان در عصر ساسانی بود. در میان موبدان عصر ساسانی دو موبد به نام های تنسر و کرتیر قدرتمندترین موبد به شمار می آمدند. در این راستا مجدداً به بررسی ویژگی های دو موبد مهم عصر ساسانی می پردازیم.



تنسر

تنسر یا توسر موبد زرتشتی در اواخر عصر اشکانی و از نزدیکان و حامیان اردشیر بابکان بوده است. ظاهراً تنسر از اشراف زادگان اشکانی بود، اما او به عقاید نوافلاطونی و دیانت روی آورد، پس از ظهور اردشیر بابکان به او پیوست و سمت موبد موبدان که بالاترین مقام موبدی است را کسب کرد. از ابتدای حکومت ساسانیان تدوین دین زرتشت جدید توسط موبد تنسر انجام شد. در مورد مبلغ دینی زمان اردشیر، اولین پادشاه ساسانیان، بویس چنین آورده است: «بخت با اردشیر یار بود که مردی را به عنوان روحانی اعظم خودش در کنار خودش داشت که توانایی و فعالیت هایش گویا به اندازه توانائی و فعالیت خود اردشیر بوده است. این شخص به نام تنسر یا توسر عنوان هیرید را داشت که در دوره پارتی، ظاهراً لقب بزرگان جامعه روحانیت بوده است. وظیفه ای که تنسر در مقام مبلغ اردشیر داشت، وظیفه ای دشوار بود، زیرا اشکانیان در به قدرت رسیدنشان در برابر سلوکیان غیر زرتشتی در نقش قهرمانان ظاهر شده بودند، ساسانیان ناچار شدند توجیهی برای برانداختن هم دینان خود بیابند. وقتی گشنسپ پادشاه ناحیه طبرستان، اردشیر را متهم به ترک سنت می کند، تنسر در پاسخ او بیان می دارد همه سنت های دیرین نیک نبوده اند و اردشیر به اوصاف حمیده بیش تر از اولین متصف است و در مورد دین زرتشت در آن زمان چنین بیان می دارد: این دین در نتیجه ویرانگری اسکندر چنان زوال یافته بود که در دوره اشکانی، از شرایع و احکام آن هیچ نمی دانستند، پس چاره ای نیست که رأی صائب صالح در احیای دین باشد... چه دین را تا رأی بیان نکند، قوامی نباشد. بدین سان رخصت کامل به اردشیر داده می شد تا تغییراتی را که می خواست پدید آورد و تنسر همه این ها را خواه بدعت شاه پارس می آمدند و خواه اصلاح دین، یکسان جایز شمرد (بویس، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

روایات پهلوی و اسلامی می نویسند که: تنسر از شاهزادگان پارس بود. وی مردم را از مدت ها قبل به ظهور اردشیر مژده داده بود و مبلغانی به اطراف می فرستاد و به نفع اردشیر تبلیغ می کرد. و سپس با ظهور اردشیر در خدمت او بود و در آن زمان تنسر مشاور و رایزن اردشیر شد و در نهایت با کوشش های تنسر بود که همه مردم به زیر پرچم دولت ساسانی گرد آمدند. تنسر با دعوت مردم به قیام اردشیر در موفقیت اردشیر که صرفاً یک پادشاه محلی بوده و شاید هم از توان نظامی مناسبی برخوردار نبوده نقش مؤثری ایفا کرده و همین که با پی ریزی مبانی نظری حکومت و توجیه اعمال مذهبی و سیاسی اردشیر توانست به اردشیر جهت پیش برد اعمال و اهدافش خدمات شایانی بنماید. چنان که اردشیر درباره چگونگی وضع، نگارش و تدوین قوانین دینی و اداره امور کشور و مقررات متعلق به آن با تنسر به رایزنی می پرداخت... تنسر را برخی از مورخان چهره ای معتبر و سازش ناپذیر در پشت پرده های حاکمیت ساسانی می دانند که همه برنامه ریزی ها و تصمیمات را رهبری می کردند» (خدایان، ۱۳۸۳: ۱۴۰۰). کهن ترین نوشته شناخته شده ای که در آن به تنسر و فعالیت هایش اشاره می شود، متن فارسی دینکرد است که در سده سوم هجری به کوشش آذرفرنبغ فرخزادان و آذرباد ایمیدان گردآوری و تدوین شده



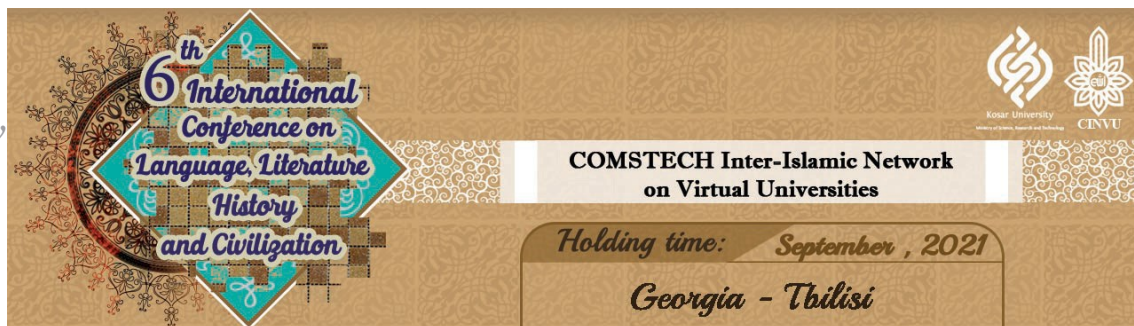
است. در گزارش های تاریخی و نوشته های دینی خود دوره ساسانیان هیچ گونه اشاره ای به نام تنسر دیده نمی شود و در سنگ نوشته شاپور یکم بر کعبه زرتشت هم از هیچ چهره دینی ای در فهرست نام درباریان اردشیر بابکان یاد نشده است. از این رو، چون نام تنسر با همه بزرگی و شکوه ویژه او در نوشته های ادبی و دینی زرتشتی، در هیچ کدام از سنگ نوشته های دوره ساسانیان دیده نمی شود و از سوی دیگر، نام کرتیر، موبد نیرومند سده سوم میلادی و هم روزگار با آغاز دوره ساسانیان، تنها در سنگ نوشته های خود او و سنگ نوشته شاپور یکم بر کعبه زرتشت و در گزارش های مانویان آمده است و در هیچ کدام از نوشته های ادبی و دینی زرتشتی به چشم نمی آید. پاره ای از پژوهندگان، تنسر و کرتیر را یکی انگاشته اند (جلیلیان، ۱۳۹۶: ۵۴).

بیش از همه هرتسفلد بود که این دو چهره تاریخی را یکی پنداشت. اشپرنکلینگ هم که پیش از دیگران به ترجمه سنگ نوشته های کرتیر پرداخت، این دو را یکی شناخت و باور داشت که آن چه در دینکرد درباره فعالیت های دینی تنسر آمده است. گزارش فعالیت های دینی موبد کرتیر است که او در سنگ نوشته های خود به آن ها پرداخته است. هم چنین لوکونین به سادگی تنسر را چهره ای افسانه ای و نامۀ تنسر را هم ساخته و پرداخته موبدان زرتشتی در سده ششم میلادی خواند (لوکونین، ۱۳۷۲: ۱۳۴). با وجود این مری بویس با استدلال های منطقی، تنسر و کرتیر را هم چون دو چهره تاریخی جداگانه باز شناخت. او با اشاره به ناهمسانی نام شناختی این دو، به روشنی نشان داد که کرتیر و تنسر، هر دو نام های خاص اند. چنان که در خود سنگ نوشته شاپور یکم بر کعبه زرتشت، گذشته از نام «کرتیر هیربد» دو نام «کرتیر پسر اردوان» و «مهرگ پسر توسر» هم دیده می شوند که بیان گر وجود نام توسر و کرتیر در اوائل دوره ساسانی است. هم چنین بویس یادآور شده که دوره زندگانی و فعالیت مذهبی تنسر و کرتیر با هم یکی نیستند، چون به گزارش منابع گوناگون تاریخی و خود نامه تنسر او در دوره اردشیر بابکان زندگی می کرد و اوج فعالیت ها و نیرومندی او، در دوره فرمانروایی اردشیر بوده است، اما از درون مایه سنگ نوشته های کرتیر پیداست که او در دوره اردشیر بابکان بسیار جوان بوده و اوج نیرومندی و فعالیت او در زمان بهرام دوم بوده است، از سوی دیگر زمینه فعالیت ها و دستاوردهای تنسر و کرتیر کاملاً با هم دیگر متفاوتند (بویس، ۱۹۶۸: ۱۲-۱۰).

کرتیر

نمونه بارز دخالت موبدان عصر ساسانی در سیاست دولت در سده سوم مربوط به زمان جانشینان شاپور است. در این زمان روحانی برجسته ای به نام کرتیر ظهور کرد که سیاست دینی و اندیشه های حکومتی از تفکر او نشأت می گرفت. کرتیر تنها موبدی است که هم چون پادشاهان کتیبه بر جای گذاشته و در آن از خدمات خویش به شاه و دین سخن می گوید (زمانی، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۷).

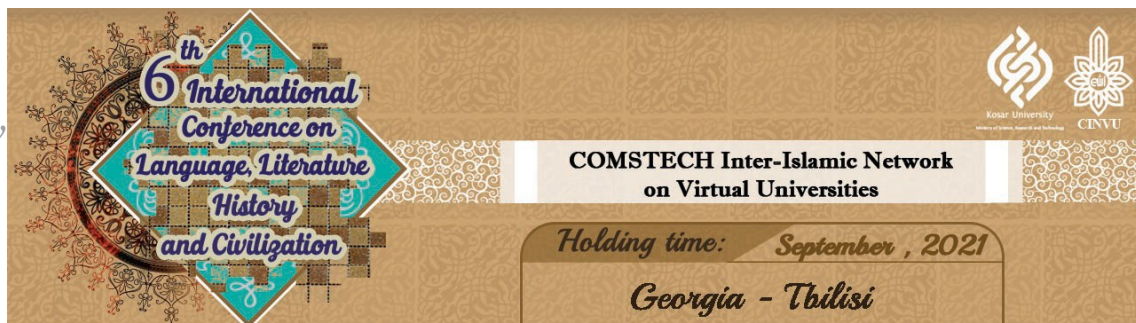
قدرت کرتیر حتی از تنسر هم بیشتر بود چرا که تنسر به عنوان مشاور سیاسی، مذهبی و نظریه پرداز نقش اجرایی چندانی در سیاست دینی اوایل دوران ساسانی نداشت. در حالی که کرتیر به عنوان مجری سیاست های دینی



ساسانیان از توانمندی اجرایی بسیار فراوانی برخوردار بوده. کرتیر برای تحکیم قدرت و نفوذ مذهبی در شاهنشاهی به کارهای اساسی دست زد از جمله نفوذ در دولت و شاه؛ سرکوب اقلیت های مذهبی و به نمود آوردن جلوه های مذهبی و ساختن آتشگاه، واگذاری موقوفات، اجرای مناسک دینی جهت تحکیم پایه های قدرت مذهبی خویش (دهقانی، ۱۳۸۰: ۸۱). کرتیر به عنوان دومین موبد بزرگ دوره ساسانی عمری دراز و قدرت بسیار داشت، همان طور که پیشتر گفته شد، مقام بالای او از این موضوع آشکار می شود که تنها فرد غیر سلطنتی بود که اجازه داشت کتیبه هایی به سبک و سیاق کتیبه های سلطنتی نقر کند. یکی از این کتیبه ها در زیر کتیبه شاپور بر دیوار کعبه زرتشت و در دوره ای متأخرتر کنده شده است. کتیبه دیگر بر دیوار نقش رستم قرار دارد و سومین کتیبه در نقش رجب قرار دارد. چهارمین و بلندترین کتیبه در سر مشهد در استان فارس است.

قدرت کرتیر دوره ساسانی

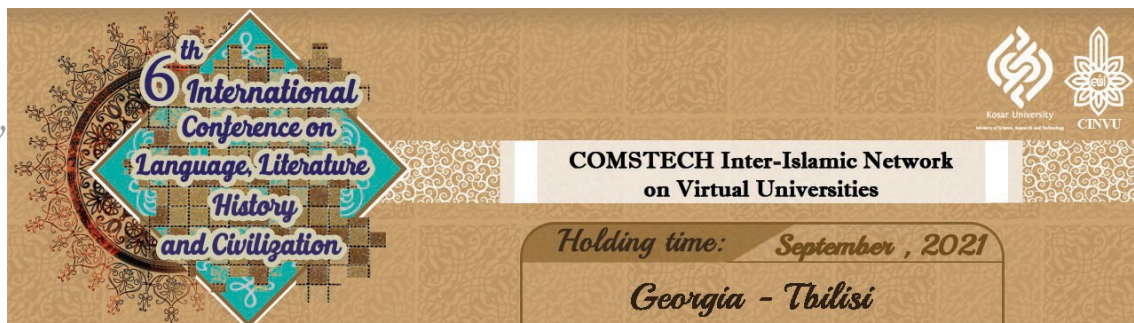
در زمان هرمزد اول پسر شاپور که یک آتش به نام او وقف شده بود، قدرت روحانی کرتیر نیز افزوده شد. کرتیر در زمان هرمزد «موبد اورمزد» را گرفت. پس از هرمزد، بهرام اول به جایش نشست و در این زمان کرتیر با تسلط بر بهرام توانست، بهرام را به محاکمه و اعدام مانی ترغیب کند. یک قطعه پارسی مانوی که نقش کرتیر در این کار را بیان می کند به درستی او را «کرتیر مغبد» می نامد. پس از بهرام اول، پسرش بهرام دوم که با او هم نام بود، جانشین شد که عده ای بر این عقیده هستند که کرتیر در به تخت نشستن بهرام دوم نقش به سزایی داشته و در زمان بهرام دوم کرتیر به اوج قدرت خویش رسیده و عنوان «کرتیر بخت روان بهرام» را از آن خود کرده و بر مسند ریاست آتش های آناهید اردشیر و آناهید بانوی استخر قرار گرفت. به نظر می رسد در این مرحله در زندگی اش بود که کتیبه هایش را نقد کرد، او در کتیبه هایش از مسائل اعتقادی چندان سخنی به میان نمی آورد و توجهش را متمرکز آیین های عبادی، انضباط دینی، به دین زرتشتی در آوردن و مجازات کافران می کند. تاریخ دینی ایام پادشاهی هرمزد و بهرام اول و بهرام دوم تماماً بیان گر قدرت نهایی کرتیر است که در زمان بهرام دوم به اوج خود می رسد. کرتیر مانی را برای دین زرتشت خطرناک می دانست، بهرام اول زیر فشار مغان مجبور شد تا مانی را به قتل برساند و به اصرار کرتیر دستور داده شد پوست او را کنده و پر از گاه کرده و بر بالای دروازه جندی شاپور آویختند. تلاش کرتیر برای تبدیل دین زرتشتی به دین رسمی شاهنشاهی سبب شد تا پیروان سایر مذاهب مورد هجوم قرار بگیرند. کرتیر در این هدف از حمایت شاه و نجبا و موبدان و نیز کشاورزان و روستائینی که به کیش نیاکان خود پای بند بودند بهره مند گشت و به سبب همین اختیارات بود که عده زیادی از پیروان غیر زرتشتی را در دادگاه های مذهبی محاکمه و محکوم کرد. در زمان بهرام دوم مسیحیان نیز مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند و کرتیر با مشکلات متعددی مواجه بود. نخست به دلیل فراوانی پیروان مسیحیت در قلمرو شاهنشاهان ساسانی و دیگر این که مسیحیان از طبقه ممتاز و بالای جامعه بودند که از اهمیت و اعتبار اقتصادی برخوردار بودند و بالطبع درگیری با آن ها خسارت و ضررهایی در بر داشت. علاوه بر مسیحیان، یهودیان که



قدمت آن ها خیلی بیشتر از مسیحیت بود در زمان ساسانیان در معرض تهدید قرار گرفتند و در زمان سلطنت بهرام دوم آن گونه که از نوشته های کرتیر مشخص است یهودیان متحمل فشار و عذاب گردیدند. در کل می توان نتیجه گرفت که کرتیر یک موبد پرنفوذ دوره ساسانی بود که در زمان پادشاهی هفت شاهنشاهی ساسانی به ترتیب اردشیر بابکان، شاپور یکم، هرمزد یکم، بهرام اول، بهرام دوم، بهرام سوم و نرسی می زیسته است. اوج قدرت کرتیر در زمان بهرام دوم بود، به طوری که از سوی او آزار بسیاری بر پیروان آئین های یهود، مانوی، مسیحی، بودائی اعمال شد، کرتیر در زمان همین پادشاه بود که جایگاه داور داوران یا قاضی القضاة را از آن خود کرد و هم چنین آموزشگاه هایی را برای پرورش روحانیون زرتشتی ساخت، یعنی بهرام دوم علاوه بر قدرت دینی نامحدود، بالاترین مقام قضائی ایران را نیز به کرتیر داد و بعد از مرگ بهرام دوم، نرسی عمومی بهرام دوم تخت شاهی را پس از چهار ماه فرمانروایی از بهرام سوم خردسال گرفت. در این زمان بود که ستاره اقبال کرتیر رو به افول رفت، قیام نرسی و سلطنت او به قدرت کرتیر پایان داد، بعد از این دوره خاطرات دوران کرتیر آن چنان به فراموشی رفت که حتی در اوائل دوره اسلام هم وقتی مزدیسنان کتاب پهلوی دینکرد را تدوین می کردند، ذکری از او در این کتاب نکردند و از او به عنوان موبد و نام آور دوران گذشته یاد نکردند.

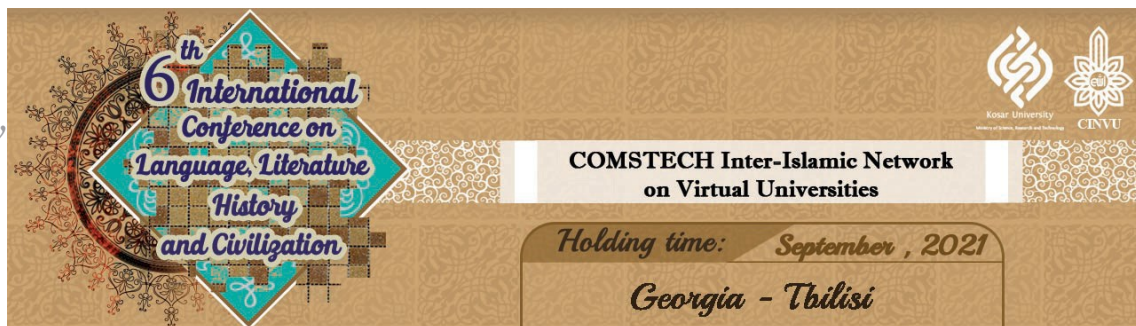
نتیجه گیری

در زمان ساسانیان روحانیون از مهم ترین پایه های جامعه به حساب می آمدند که در تمامی زوایا و ابعاد جامعه ساسانی از جمله بر تصمیمات حکمرانان و شاهان بسیار تأثیرگذار بودند، به عبارتی نهاد روحانیت زرتشتی در دوره ساسانی بسیار فعال بوده قدرت و نفوذ موبدان و روحانیون زرتشتی در دوره ساسانی تا آن جا بود که حتی عزل و نصب شاهان به واسطه موبدان انجام می شد. با توجه به رسمی بودن دین زرتشتی، مقام روحانیون و به خصوص موبدان بسیار مهم بوده، رسمی شدن آیین زرتشت در دوره ساسانی با حیات سیاسی و دینی کرتیر دومین موبد مهم دوره ساسانی پیوند ویژه ای داشت. کرتیر پس از شاپور اول با تسلط بر نظام سیاسی و هم چنین سازمان دهی روحانیت به آزار و اذیت پیروان ادیان دیگر پرداخت و با سرکوب آن ها، آیین مزدیسنان را در امپراطوری ساسانی رسمیت داد. مقام موبدان در دوران ساسانیان از چنان ارزشی برخوردار بود که در تمامی مراسم سلطنتی موبدان در کنار شاه قرار داشتند، اختیارات موبدان فقط به مسائل مذهبی خلاصه نمی شد. آن ها حتی در امور قضائی، فرهنگی، پزشکی و... دخالت مستقیم داشتند. البته باید در نظر داشته باشیم که این نفوذ مطلق موبدان بر مردم و این که سرنوشت دین و ملت را به خود اختصاص داده بودند در نهایت از عوامل ضعف ساسانیان به حساب آمده و موجب نارضایتی توده مردم شد.



کتاب نامه فارسی

- بویس، مری (۱۳۸۱)، **زرتشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها**، ترجمه عسگر بهرامی، تهران، انتشارات ققنوس.
- پیگولوسکایا، ن (۱۳۷۷)، **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان**، ترجمه عنایت الله رضا، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- تقی زاده، حسن (۱۳۷۹)، **مانی و دین او**، تهران، انتشارات فردوس.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۶)، **نامه تنسر به گشنسپ (پیش گفتار تاریخی، زندگی نامه تنسر و تاریخ گذاری نامه او، متن، یادداشت‌ها، واژه‌نامه، اهواز، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز)**.
- خدادادیان، اردشیر (۱۳۸۳)، **تاریخ ایران باستان، اشکانیان و ساسانیان**، جلد ۲، تهران، نشر سخن.
- دریایی، تورج (۱۳۸۱)، **سقوط ساسانیان (فاتحین خارجی، مقامات داخلی، تصویر پایان جهان)**، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی، تهران، نشر تاریخ ایران.
- دهقانی، عبدالرضا (۱۳۸۰)، **فصلنامه هستی**، دوره دوم، سال دوم، شماره ۱، بهار.
- دینوری، ابوحنفیه احمد بن داود (۱۳۴۶)، **اخبار الطول**، ترجمه صادق نشأت، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- زرین کوب، عبدالحسن (۱۳۶۸)، **تاریخ ایران بعد از اسلام**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- زمانی، حسین (۱۳۸۵)، **فصل نامه تاریخ**، دانشگاه آزاد محلات، سال یکم، شماره دوم.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۰)، **مروری کوتاه بر تاریخ ایران از آغاز عصر مادها تا پایان دوره قاجاریه**، چاپ اول، تهران، نشر سخن.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴)، **اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی**، چاپ اول، تهران، انتشارات توس.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریچ (۱۳۷۲)، **تمدن ایران ساسانی**، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- یارشاطر، احسان (۱۳۷۳)، **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان**، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- یعقوبی، احمدبن یعقوب (۱۳۸۹)، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد آیتی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.



کتاب نامه لاتین

- Boyce, Mary (1968). The Letter of Tansar. Roma Instituto Italino Per II Medio Ed Estremo Oriente



The position of Zoroastrian priests in the Sassanid era

Zahra Tabrizi Shahrovi

Ancient Culture and Language Department, Hamedan Branch, Islamic Azad University,
Hamedan, Iran

Abstract

The emergence of the Sassanids and the formalization of the Zoroastrian religion caused the priest to achieve the highest social status. Due to the special attention of the Sassanid government to political and religious issues Zoroastrian priests and kings were closely related as two main elements. The kings were ruling and the priests legitimated the policies of the government by propagating the Zoroastrian religion. The two most important priests of The Sassanid era were tansar and kartir. Tansar had a special executive role in religious politics in the early Sassanid era. He was a collector of religious works than a religious politician. On the other hand Kartir had a special interest in politics, unlike tansar, who was a strict executor of religious policies.

Keyword: Sassanid, Zoroastrian, Priests, Kartir, Tansar